

**Explanation of the Intellectual Foundations of Anti-arrogance
in the Civilization-Building Thought of Ayatollah Khamenei**

Received: 19/1/2023

Accepted: 14/5/2023

Ali Mohammadi Zia¹

(138-162)

The global arrogance led by the US has always sought its interests in the global arena through coercion and extravagance. This fact has prompted the supreme leader of the revolution to address the need to fight against it with his civilization-building view based on religious principles by explaining the nature of arrogance, and as the leader of the Islamic revolution, be its flag bearer in the world. The adoption of this approach by His Holiness is the reason of this research in response to the question that what are the intellectual foundations of anti-arrogance based on the civilization-building thought of the Supreme Leader of the Islamic Revolution? The research seeks to investigate this issue by using the descriptive-analytical method and in the theoretical framework based on the trinity of ontology, epistemology and methodology. The findings of the research show that anti-arrogance is a result of the monotheistic system and a belief necessity in order to prevent the spread of corruption and destruction on earth, and the main method is to stand and resist against the attacks of arrogance.

Keywords: Intellectual Foundations, Anti-arrogance, Civilization, Ayatollah Khamenei.

1 . Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Golestan University of Medical Sciences and Health Services, Gorgan, Iran, dralimohammadiz@goums.ac.ir.



تبیین مبانی فکری استکبارستیزی در اندیشه تمدن ساز آیت الله خامنه‌ای دام‌ظله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۲۴

علی محمدی ضیاء^۱
(۱۳۸-۱۶۲)

چکیده

استکبار جهانی به رهبری آمریکا همواره با زورگویی و افزون خواهی به شکلی ظالمانه در عرصه جهانی در پی کسب منافع خود بوده است. این واقعیت رهبر معظم انقلاب را بر آن داشته است تا با نگاه تمدن ساز خویش براساس مبانی دینی با تبیین ماهیت استکبار، به ضرورت مبارزه با آن پرداخته و خود نیز به عنوان رهبر انقلاب اسلامی پرچمدار آن در جهان باشد. پژوهش حاضر در پاسخ به این پرسش است که مبانی فکری استکبارستیزی مبتنی بر اندیشه تمدن ساز رهبر معظم انقلاب اسلامی چیست؟ این پژوهش با بهره گیری از روش توصیفی - تحلیلی و در چهارچوب نظری مبتنی بر سه گانه هستی شناسی، معرفت شناسی و روش شناسی در پی بررسی این موضوع است. یافته های پژوهش نشان از آن دارد که استکبارستیزی برآمده از نظام توحیدی و ضرورتی اعتقادی به منظور جلوگیری از فراگیری فساد و تباهی بر روی زمین بوده و اصلی ترین روش در عرصه ایستادگی و مقاومت در برابر حمله های مستکبران است.

واژگان کلیدی: مبانی فکری، استکبارستیزی، تمدن سازی، آیت الله خامنه ای.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گلستان، گرگان، ایران،

dr.alimohammadiz@goums.ac.ir

مقدمه

استکبار جهانی درحقیقت قدرتی است که به منافع ملت‌ها، خواست انسان‌ها و ارزش‌های انسانی، هیچ توجهی ندارد و تنها منافع خود را با روحیه‌ای برآمده از تکبر، افزون‌خواهی و زورگویی دنبال می‌کند. این سلطه‌گران به منظور تحقق منافع خود، در پی پیاده کردن نظم و هژمونی مورد نظر خود در جهان‌اند و با هر کشوری که مخالف این هژمونی باشد، به مقابله می‌پردازند. درحالی‌که براساس مبانی دینی، چنانچه با مستکبران و زورگویان جهان مبارزه نشود، فساد و تباهی زمین را فرا خواهد گرفت؛ (بقره: ۲۵۱) چراکه آنها به واسطه ذات سیری‌ناپذیرشان، همواره در پی منافع زیاده‌خواهانه خود، خواهان گسترش سلطه خویش بر روی زمین هستند. ازاین‌روست که خداوند متعال مردان باایمان و در رأس همه آنها، پیامبران الهی را مأمور مبارزه با مستکبران قرار داده است.

در پژوهش پیش‌رو، باتوجه به اهمیت موضوع استکبارستیزی در آموزه‌های دینی و تمدن نوین اسلامی و به دلیل تردیدهایی که درباره معانی، اهداف، مصادیق، ضرورت‌ها و... آن در میان برخی از فعالان و مجریان سیاسی کشور وجود دارد، کوشش شده است ابعاد گوناگون آن از نگاه رهبر معظم انقلاب در راه تشکیل تمدن نوین اسلامی بررسی شود. همچنین تلاش بر این است که ضمن ابهام‌زدایی از مبانی و خاستگاه نظری مفهوم استکبارستیزی در نظام فکری رهبر انقلاب، در پاسخ به پرسش اصلی مقاله درباره چیستی مفهوم استکبارستیزی در اندیشه تمدن‌ساز آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله، این فرضیه را بررسی کند که مفهوم استکبارستیزی در اندیشه رهبر معظم انقلاب برآمده از جهان‌بینی دینی و آموزه‌ها و دستورهای دین اسلام است؛ جهان‌بینی‌ای که مبارزه با استکبار را برای جلوگیری از گسترش فساد بر روی زمین برای تشکیل تمدن اسلامی ضرورت می‌داند.

براین اساس، در این نوشتار، نخست مبتنی بر چهارچوب نظری بر پایه شناخت در سه عرصه هستی، معرفت و روش، نظام فکری برآمده از اندیشه رهبر انقلاب ارائه می‌شود که در پی ترسیم چهارچوب کلی از نگاه رهبری به مفهوم استکبارستیزی برای شکل دادن به تمدن نوین اسلامی است. به همین منظور، از نگاه هستی‌شناسانه به خاستگاه و جهان‌بینی

آیت الله خامنه‌ای دامنه‌ای درباره مفهوم استکبارستیزی پرداخته می‌شود. از این رهگذر با ارزیابی مبانی معرفت‌شناسانه دیدگاه وی درباره این مفهوم، آن را با بررسی روش‌شناختی به واقعیت خارجی پیوند زده و روش‌های مبارزه با استکبار از نگاه رهبر معظم انقلاب را تبیین می‌کند.

این پژوهش درحالی انجام می‌شود که علاوه بر چندین مقاله، برخی از کتاب‌ها نیز به شکل غیرمستقل به بررسی مفهوم استکبارستیزی در اندیشه رهبر معظم انقلاب پرداخته‌اند. در این زمینه، کتابی با عنوان دشمن‌شناسی در اندیشه رهبر انقلاب نوشته نجفعلی غلامی و همچنین کتابی با همین عنوان نوشته پیمان ملازاده تنها به بیان سخنان مقام معظم رهبری درباره موضوع دشمن پرداخته و بیانات ایشان را در این باره موضوع‌بندی کرده‌اند. همچنین در کتاب دشمن‌شناسی (شناخت دشمن و روش‌های مقابله با آن از منظر حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی) با گردآوری سیدامیر پورفاضلی نیز اقدام مشابهی انجام شده است. به علاوه، کتاب استضعاف و استکبار در قرآن نوشته علی محمد دستغیب به بررسی مبانی قرآنی استکبار پرداخته و با موضوع پژوهش پیش‌رو متفاوت است. این تفاوت در کتاب استکبار جهانی نوشته جواد منصوری هم دیده می‌شود؛ موضوعی که به ابعاد کلی استکبار پرداخته و ناظر به اندیشه رهبر معظم انقلاب نیست.

همچنین برخی مقاله‌ها همچون «تبیین استکبارستیزی از منظر مقام معظم رهبری» نوشته رحمت عباس تبار و محمدصالح توکلی، «دیدگاه اسلام و رهبری درباره استکبارستیزی» نوشته افشین خلیلی دهدزی و فریدون کیانی قلعه‌سردی و مقاله‌ای با عنوان «راهبردها و راهکارهای جهان اسلام در مقابله با استکبار جهانی از دیدگاه امام و رهبری» نوشته حسین شیدائیان درباره این موضوع نگاشته شده است.

در جمع‌بندی کلی باید گفت که این مقاله‌ها به شکل تک‌ساحتی و مبتنی بر اندیشه سیاسی و تنها با رویکرد روش‌شناسانه به مقوله استکبارستیزی پرداخته و یا همچون مقاله آخر از نظر موضوع با پژوهش پیش‌رو متفاوت است. این درحالی است که این نوشتار مبتنی بر چهارچوب هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی به شکلی جامع موضوع

استکبارستیزی را بررسی می کند و در قالب چهارچوب علمی به ارائه نظریه در این باره می پردازد.

۱. چهارچوب نظری

یکی از روش های مناسب برای بررسی کامل هر مفهوم در نظام فکری اندیشمند، توجه به ابعاد هستی شناسانه، معرفت شناسانه و روش شناسانه آن از دیدگاه متفکر است. این الگو، که مبتنی بر پاسخ به سه پرسش چیستی، چرایی و چگونگی است، در پی آن است با تبیین و ارزیابی بسترهای فکری هستی شناسانه ای که مفهوم در آن نصج یافته است، به مبانی تولید معرفت و شناخت و علت های دستیابی به آن پردازد. همچنین از این رهگذر، چگونگی پیاده سازی این معرفت در جهان واقع و در عرصه عمل را از منظر اندیشمند و در قالب روش شناسی، ارزیابی کند.

این چهارچوب فهم جامعی از مفهوم مورد نظر در ساختار فکری متفکر به دست می دهد و میان نوع شناخت و معرفت حاصل از این درک، با نوع روش های به کارگرفته در آن، ارتباط برقرار می کند. براین اساس، ساختاری اندام وار و به هم مرتبط از اندیشمند درباره مفهوم خاص شکل می دهد و به مخاطب ارائه می کند.

الف) نخستین عرصه هستی شناسی است. این مفهوم در تعریف، عبارت است از نظریه ای عام درباره اینکه چه نوع چیزها یا جوهره هایی در جهان وجود دارند و به گستره ای از هستی ها و روابطی اشاره دارد که درون حوزه ای خاص از معرفت و تخصص علمی پذیرفته می شود. (بنتون و کرایب، ۱۳۸۴: ۲۱-۲۳) ازسوی دیگر، هستی شناسی در پژوهش درواقع، بازتاب نگرش متفکر درباره سرشت جهان است. (مارش و فورلانگ، ۱۳۸۷: ۳۲-۶۴) در تعریفی دیگر، هستی شناسی به نگرش اندیشمند درباره هر آنچه جهان اجتماعی را می سازد، گفته می شود. (Barbour, 2014, p. 20) از نگاه اندیشمندان مسلمان نیز هستی شناسی درواقع سخن از حقیقت هستی و انواع و جلوه های آن و روابط کلی موجودات با یکدیگر است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۶۱)

ب) معرفت شناسی دومین عرصه ای است که در این چهارچوب نظری بررسی می شود.

این مفهوم درحقیقت، نظریه معرفت و ادراک علم است (Flick. 2009, p. 468) و عبارت است از آنکه چگونه و چه چیزی را می‌توان شناخت؛ (Walliman. 2001, p.14) در تعریفی دیگر از آن، به مطالعه ماهیت معرفت و توجیه یاد شده است. (Schwandt, 2007, p. 158) از نگاه اندیشمندان اسلامی، معرفت‌شناسی درواقع شاخه‌ای از فلسفه است که در آن درباره شناخت‌های انسان و ارزشیابی انواع و تعیین ملاک صحت و خطای آنها بحث می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۵۳) درمجموع، معرفت‌شناسی در نظام فکری اندیشمند ناظر به منابعی است که شناخت و معرفت از آن حاصل می‌شود و ازسویی بتوان از آن معرفت به شایستگی دفاع کرد.

ج) روش‌شناسی به‌عنوان سومین بخش از این چهارچوب نظری است که در پیوند میان عرصه نظر با عمل است. این مفهوم در تعریفی عبارت از نظریه و تحلیل درباره نحوه اجرا و عمل است؛ (Harding, 1987, p. 2) در تعریف دیگری، از آن به تحلیل مفروضات، اصول و روش‌های اجرا یاد شده است. (Schwandt, 2007, p. 158). ازسویی روش‌شناسی به مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به‌کار می‌روند، و مجموعه ابزار و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌کند، گفته می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲۴). می‌توان گفت روش‌شناسی درحقیقت، ارتباط میان مبانی فکری و معرفتی متفکر با واقعیت اجتماعی است و اندیشه او را در عرصه واقعیت خارجی بیان می‌کند. (پارسانیا، ۱۳۸۸: ۱۰)

این چهارچوب نظری از آن‌رو مناسب پژوهش پیش‌رو به نظر می‌رسد که استکبارستیزی در اندیشه رهبر معظم انقلاب نشانی از نظام اندیشه‌ای متشکل از اجزای به‌هم مرتبط است که در مسیر هدف معین یعنی تشکیل تمدن نوین اسلامی قرار گرفته است. این چهارچوب نظری همچنین کمک می‌کند با روشن شدن اجزای گوناگون این نظام فکری، ارتباط آنها با یکدیگر مفصل‌بندی شده و هدفمندی آنها در ارتباط با واقعیت خارجی روشن شود.

۲. مفهوم‌شناسی استکبارستیزی

مفهوم محوری در پژوهش پیش‌رو استکبارستیزی است که فهم درست این مفهوم به فهم دقیق یافته‌های تحقیق کمک کرده و ارتباط مباحث مطرح‌شده را با چهارچوب نظری هرچه

بیشتر آشکار می‌سازد. مفهوم استکبارستیزی، که از ترکیب دو واژه استکبار و ستیز تشکیل شده است، مفهومی قرآنی است و به تعبیر مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی در دوره کنونی برای نخستین بار آن را مطرح کرد. (بیانات، در دیدار روحانیان عقیدتی - سیاسی، ۸۱/۷/۲۴) استکبار در حقیقت به عنصر یا شخصی یا جمعی و یا جناحی گفته می‌شود که خود را بالاتر از حق به‌شمار آورده و زیر بار حق نرود و خود و قدرتش را ملاک قرار دهد. (محمدی، ۱۳۸۵: ۳۹) بر مبنای قرآن کریم، اصل بر دفع ظالم و مستکبر و مقابله با آن، قرار داده شده و خداوند متعال در قرآن کریم با اشاره به آیه «ولو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض (بقره: ۲۵۱)؛ و اگر خداوند بعضی از مردم را به‌وسیله برخی دیگر دفع نکند، زمین را فساد می‌گیرد»، به قاعده دفع ظالمان و مستکبران به‌عنوان خواست پروردگار اشاره دارد.

رهبر معظم انقلاب بر این اساس، استکبار را قدرتی قلمداد می‌کند که به منافع ملت‌ها، خواست انسان‌ها و ارزش‌های انسانی، بی‌توجه است و تنها به خود و منافع خود توجه دارد. در نگاه رهبری، استکبار منافع خود را با روحیه‌ای برآمده از تکبر، افزون‌خواهی و زورگویی دنبال کرده و با زبان زور، خشونت و بی‌رحمی در پی تحقق آن است. (بیانات، در اجتماع مردم مشهد، ۱۳۷۵/۱/۴)

۳. مفهوم‌شناسی تمدن‌سازی

تمدن‌سازی مفهومی برگرفته از تمدن است. تمدن در واقع عبارت است از مجموعه اندوخته‌های مادی و معنوی انسان‌ها (سیدی، ۱۳۸۸: ۷) که از دید رهبر معظم انقلاب در بستر پیشرفت‌های مادی و معنوی به‌دست می‌آید. (بیانات، در دیدار اқشار گوناگون مردم، ۱۳۹۵/۰۵/۱۱) تمدن‌سازی که در اندیشه رهبر انقلاب با عنوان ایجاد تمدن نوین اسلامی به‌عنوان هدف غایی انقلاب مطرح می‌شود (بیانات، در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی، ۱۴۰۰/۱۱/۲۸) در جای‌جای بیانات ایشان مورد توجه قرار گرفته و به‌واقع می‌توان اندیشه رهبر معظم انقلاب را تمدن‌ساز عنوان کرد.

تمدن‌سازی اسلامی بدون وجود دستگاه و نظام فکری اسلامی پر قدرت و کارآمد

امکان‌پذیر نیست. این نظام هدفمند، که دارای اجزا، ارتباط و هماهنگی بین اجزاست، (چرچمن، ۱۳۸۵: ۲۶) بر سه رکن استوار است. رکن نخست اهداف نظام است و اجزای نظام برای رسیدن به آن، در کنار هم قرار گرفته‌اند. رکن دوم اجزای نظام است که کلیت نظام بدون اجزای آن، بی‌معناست. (دوران، ۱۳۷۶: ۳۴-۴۰) رکن سوم ارتباط میان اجزای نظام است. درحقیقت، نظام کل معینی است که از اجزای با ارتباط متقابل، تشکیل شده است؛ به‌طوری‌که کل نظام‌مندی را شکل می‌دهد. درواقع، می‌توان همه این عناصر را در ساختار فکری مقام معظم رهبری به‌عنوان اندیشه تمدن‌ساز مشاهد کرد که به‌مثابه مجموعه‌ای از اجزا و عناصر فکری نظام‌مند در ارتباط با یکدیگر، به شکل هدفمند در عرصه نظام بینشی، ارزشی و کنشی سامان یافته است.

۴. مبانی هستی‌شناسانه استکبارستیزی

دین اسلام مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از باورها و دستورالعمل‌های برگرفته از وحی الهی درباره جهان هستی، انسان و آینده است که هدف آن هدایت انسان به‌سوی سعادت و کمال حقیقی است. تنها داشتن باور و ایمان قلبی ازسوی قرآن کریم و اسلام پذیرفته نیست؛ بلکه ایمان حقیقی از نظر اسلام ایمانی است که همراه با رفتار و پایبندی عملی به احکام و مقررات دینی باشد. ازاین‌رو، در آیات بسیاری از قرآن کریم، ایمان و عمل صالح در کنار هم موجب رستگاری معرفی شده‌اند. رهبر معظم انقلاب نیز براساس این مبنای اسلامی، حاکمیت اندیشه بر عمل را پذیرفته‌اند و بر این باورند که مباحث نظری و جهان‌بینی دارای آثار رفتاری و عملی است. ایشان باور دارند که اصول اعتقادی و جهان‌بینی اسلام علاوه‌بر سامان‌دهی اندیشه‌ها و باورها، رفتار انسان را نیز هدایت و جهت‌دهی می‌کند. رهبر انقلاب در جمع مسئولان و کارگزاران نظام با اشاره به اثرپذیری رفتار انسان از جهان‌بینی او دراین‌باره می‌فرماید:

یک وظایفی به‌طورکلی برعهده ماست، هم ما به‌عنوان دولت و حکومت هم به‌عنوان یک فرد مسلمان؛ اما این وظایف یک مبنای فکری دارد. خصوصیت تفکر اسلامی و مکتب اسلامی و دینی این است. اگر بحث می‌کنیم از اینکه

باید آزادی باشد یا انتخاب و اختیار در جامعه برای مردم وجود داشته باشد...، یکسر این برنامه‌های اصلی وصل است به آبشخور اندیشه اسلامی، جهان‌بینی اسلامی. (بیانات، در جمع کارگزاران نظام اسلامی، ۱۳۷۹/۹/۱۲) ازسویی دیگر یکی از عناصر قوام‌بخش شاکله وجودی انسان، نوع جهان‌بینی حاکم بر اوست. جهان‌بینی و برداشت فکری که انسان از جهان دارد، رویکردها و جهت‌گیری‌های او را درباره مسائل پیرامونش در عرصه اجتماع تعیین می‌کند. جهان‌بینی همچنین شخصیت انسان را شکل می‌دهد و بر رفتارهای او تأثیر مستقیم می‌گذارد. در اندیشه رهبر انقلاب، کسی که به خدا، قیامت، حضور در برابر پروردگار، زندگی پس از مرگ، شهادت و توکل باورمند است، در دنیا به‌گونه‌ای عمل می‌کند و کسی که این جهان‌بینی را ندارد، رفتار دیگری دارد؛ پس جهان‌بینی هرکس در تشکیل شخصیت او تأثیر اساسی دارد. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۱)

درمجموع، شناخت عناصر جهان‌بینی فکری مقام معظم رهبری، جهت‌گیری و اندیشه معظم له درباره موضوع استکبار و مبارزه با آن را شکل می‌دهد و این جهان‌بینی درحقیقت همان اصول و جهان‌بینی اسلام است که زیربنای نظامی سیاسی و توابع آن ازجمله استکبارستیزی قرار گرفته است.

۱-۴. نظام توحید

اساسی‌ترین و محوری‌ترین مفهوم در آموزه‌های اسلام و جهان‌بینی الهی، یگانگی خداوند متعال است. «وَاللَّهُ هُوَ الْوَاحِدُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ؛ و معبود شما معبودی یگانه است که جز او معبودی نیست». (بقره: ۱۶۳) خداوند متعال همچنین آموزه توحید را در رویارویی با مشرکان به پیامبر خویش چنین یادآور می‌شود، «قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ؛ ای پیامبر، بگو همانا اوست خداوند یگانه و یکتا و من از آنچه برای او شریک قرار داده‌اید، بیزارم». (انعام: ۱۹)

اصل توحید در اندیشه رهبری، به معنی باور به وجود خدا و قدرت غیبی او و حاکمیت علم، قدرت، عزت، جلال، جمال مطلق، اراده و خواست او بر هستی است. (بیانات، در

دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۷/۱۰/۲۲) همه امور دیگر، به نحوی از انحا به توحید باز می‌گردد؛ بنابراین، نباید توحید را تنها به مفهوم باور به یکتایی خداوند و نفی شریک برای او دانست؛ چراکه این ظاهر مفهوم توحید است و باطن آن اقیانوسی بی‌کران است. مفهوم توحید در جهان‌بینی اسلام، مفهومی تنها اعتقادی و کلامی نیست، بلکه مفهومی است که رفتار و کردار فردی و اجتماعی انسان را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد و آثار آن در جامعه آشکار می‌شود. از این منظر است که مقام معظم رهبری نیز توحید را جهت‌دهنده به همه عرصه‌های زندگی انسان مؤمن به‌شمار می‌آورد و نظام سیاسی اسلام را جلوه‌گاه این باور می‌داند:

توحید قرآن تنها نگرش بی‌تفاوت و غیرمسئول نیست. شناختی متعهد و بینش فعال و سازنده است که در بنای جامعه و اداره آن و ترسیم خط سیر آن و استراتژی و تعیین هدف آن و تأمین عناصر حفظ و ادامه آن، دارای تأثیر اساسی و تعیین‌کننده است و اصطلاحاً توحید از ارکان اسلام بلکه رکن اصلی آن نیز است. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۴: ۳۸)

در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، توحید ابعادی سیاسی - اجتماعی دارد و در تاروپود زندگی انسان‌ها حاکم است. در این دیدگاه، توحید رهایی انسان از اطاعت و تسلیم در برابر هر کسی جز خداست. از این رو، انسان یکتاپرست از بندهای سلطه نظام‌های بشری رهایی می‌یابد و هیچ ترسی از قدرت‌های شیطانی و مادی به دل راه نمی‌دهد؛ چراکه بر اقتدار بی‌نهایتی که خداوند در دل او قرار داده، تکیه کرده است و به وعده الهی در پیروزی مستضعفان بر ستمگران و مستکبران به شرط قیام، مبارزه و استقامت باور دارد. این درحالی است که هر زمان از توحید ناب اسلامی و زندگی مبتنی بر آن غفلت شود، صحنه برای سلطه استکبار و استعمار باز شده و به خدایان زر و زور، فرصت تاخت‌وتاز داده می‌شود. در این شرایط بوده است که دشمنان با نقشه‌های خود دین را در کشورهای اسلامی از صحنه زندگی خارج کرده و شعار جدایی دین از سیاست را در این کشورها تحقق بخشیدند. (پیام مقام معظم رهبری به مناسبت اولین سالگرد ارتحال امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۶۹/۳/۱۰)

نظام توحیدی که اساس فکر و باور آن بر یگانگی خداوند متعال و نفی شریک برای او استوار است، جدا از اعتقاد تنها، همچنان‌که بیان شد از ابعاد سیاسی - اجتماعی برخوردار است که رفتار انسان یکتاپرست را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. ازسویی این گستره فراگیر نظام توحیدی آثار و لوازمی را در ارتباط با مفهوم استکبارستیزی به همراه دارد که رابطه ناگسستی با این باور دارد و لازم و ملزوم یکدیگر به‌شمار می‌رود.

۱-۴. برابری انسان‌ها

در نظام توحیدی، انسان‌ها از حقوق و فرصت و امکانات یکسان برخوردارند و هرکس به میزان سعی و کوشش خود از موهبت‌های الهی بهره‌مند خواهد شد. «وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى». (نجم: ۳۹) در این نظام، هیچ گروه و طبقه خاصی وجود ندارد و هیچ فردی از امتیاز ویژه‌ای برخوردار نیست؛ تنها عامل تقرب به پروردگار تقوای الهی است:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛

ای انسان‌ها ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و شما را در قالب تیره‌ها و قبایل قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. به‌درستی که گرامی‌ترین شما نزد خداوند، باتقواترین شماست. خداوند دانا و آگاه است. (حجرات: ۱۳)

بر مبنای نظام توحیدی، تفاوت‌ها لازمه نظام آفرینش و به‌خاطر تسهیل امور و نظام‌های اجتماعی مردم قرار داده شده است و به‌هیچ‌وجه، مبنای تبعیض و برتری در جامعه نیست. در این نظام، همه انسان‌ها از آن‌رو که آفریده خدای یگانه هستند، با هم برابرند. در این زمینه، همه فضایل و امتیازهای مادی و معنوی اکتسابی است و به تلاش و اراده انسان بستگی دارد.

نظام توحیدی انسان‌ها را در رابطه با تعمیم جهان‌داری حق برابر می‌شناسد. امکانات و فرصت‌ها به‌طور مساوی در اختیار و از آن همگان است تا از این بساط گسترده، هرکس به قدر نیاز و در شعاع سعی و عمل خود، بهره‌گیرد. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۵۶: ۶۷)

۲-۱-۴. نفی سلطه

در گام نخست از بینش توحیدی، هیچ انسانی اجازه سلطه و حاکمیت بر همه کائنات به طور عام و انسان‌ها به طور خاص را ندارد؛ چراکه همه انسان‌ها در مقام بندگی در پیشگاه خداوند هستند و از رتبه‌ای یکسان و برابر برخوردارند. «أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ خدا را بپرستید و از طاغوت پرهیزید». (نحل: ۳۶) در این نفی طغیان‌ورزی و اعمال زور، تفاوت میان خاستگاه و معیارهای گوناگون آن در مکاتب گوناگون فکری مانند زور، سلطه، وراثت، شرافت قومی و قبیله و نژادی و خواست مردمی وجود ندارد. (حجرات: ۱۳) بر مبنای همین جهان‌بینی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی همه انسان‌ها را در پیشگاه الهی برابر می‌شمرد و بندگی یکسان همه موجودات در برابر خدا را مستلزم آن می‌داند که هیچ‌یک از بندگان خدا خودسرانه و مستقل حق تحکم و فرمانروایی بر بندگان دیگر را نداشته باشد. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۴: ۳۸)

رهبر انقلاب در این زمینه، معتقد است انقلاب اسلامی با پیروزی خود سلطه و سلطه‌گر را رد کرد و با تن ندادن به سلطه در جهان خواهان بیدار کردن ملت‌های جهان در این عرصه است. (بیانات رهبری در دانشگاه علوم نظامی نیروی زمینی ارتش، ۱۳۶۸/۰۷/۱۳) ایشان با بیان اینکه انقلاب اسلامی با تکیه بر آموزه‌های اسلامی نظام ظالمانه سلطه را رد می‌کند، در این باره معتقد است:

ما رفتار نظام سلطه را به هیچ وجه قبول نمی‌کنیم. البته داعیه سلطه‌گری نداریم، اما در هیچ موضوعی، زیر بار سلطه نمی‌رویم و شاخص دیپلماسی خود را مقابل به رفتار جهانی نظام سلطه و خروج از قاعده «سلطه‌گر - سلطه‌پذیر» می‌دانیم. (بیانات، در دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفرای کشور، ۱۳۸۶/۰۵/۳۰)

۳-۱-۴. ستیز با استکبار و مستکبران

در نظام توحیدی، اصل بر دفع ظالم و مستکبر و مقابله با آن قرار داده شده و خداوند متعال در قرآن کریم، به قاعده دفع ظالمان و مستکبران به عنوان اصل حاکم بر نظام توحیدی، اشاره دارد:

وَلَوْ لَا دَفَعَ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَّمتَ صَوَامِعُ وَبِيعَ وَصَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا
اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا؛

و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌شود. (حج: ۴۰)

چراکه اگر از سلطه مستکبران جلوگیری نشود و انسان‌های الهی با آنان مقابله نکنند، آنان همه ارزش‌های اخلاقی و انسانی را زیر پا گذاشته و فساد و تباهی زمین را فرا می‌گیرد و دیگر خبری از مظاهر دین و معنویت در جامعه نخواهد بود. این درحالی است که مستکبران در طول تاریخ به مقابله با حق پرداخته‌اند و همواره سد راه هدایت شده‌اند. از این رو، برای برداشتن موانع کمال انسانی باید با آنان مبارزه شود. آنان آیات خدا را منکر می‌شوند و دست از استکبار خویش برنمی‌دارند.

وَ إِذَا تُثْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَّيْ مُسْتَكْبِرًا كَانَ لَمْ يَسْمَعْهَا كَانَ فِي أُذُنَيْهِ وَقَرَأَ فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛
و چون آیات ما بر او خوانده شود، مستکبرانه روی برمی‌تابد، گویی آن را نشنیده است و در دو گوش او سنگینی است، پس او را عذابی دردناک مژده بده. (لقمان: ۷)

این روحیه مستکبرانه و دشمنی کینه‌توزانه آنهاست که ضرورت رویارویی و ستیز با ایشان را دوچندان کرده و اراده الهی بر نابودن و دفع آنها برای جلوگیری از گسترش فسادشان بر روی زمین تعلق گرفته است.

رهبر معظم انقلاب براساس این مبنای قرآنی، همواره بر مقابله و ایستادگی در برابر استکبار و زورگویی مستکبران جهانی تأکید کرده و استقامت را شرط رسیدن ملت‌ها به پیروزی می‌داند. ایشان همواره ملت‌های آزاده جهان، که زیر سلطه استکبار جهانی قرار دارند، را به مقاومت و ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌ها و زورگویی مستکبران فراخوانده و معتقد است آن نیروی عظیمی که می‌تواند در برابر استکبار جهانی بایستد، تنها نیروی ملت‌هاست. ملت‌ها و اراده‌ها می‌توانند استکبار جهانی را که با دیکتاتوری هرچه تمام‌تر در پی توسعه سلطه و اقتدار نامشروع خود است، سر جای خود بنشانند. (بیانات، در دیدار مردم زابل، ۱۳۸۱/۱۲/۱۱)

۲-۴. نظام شرک

در برابر نظام توحید، نظامی مبتنی بر شرک و الحاد قرار دارد. همچنان که خداوند به پیامبر خود می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنِّیْ بِرِیِّءٍ مِّمَّا تُشْرِكُونَ؛ ای پیامبر، بگو همانا اوست خداوند یگانه و یکتا و من از آنچه برای او شریک قرار داده‌اید، بیزارم». (انعام: ۱۹) در این نظام برای حاکمیت قدرت، اراده و خواست الهی جایگاهی قائل نیستند و اصالت به اموری به جز ذات خداوندی داده شده و همه چیز در دنیا و مادیات دیده می‌شود. «وَالْمُشْرِكِیْنَ وَ الْمُشْرِکَاتِ الظَّالِمَاتِ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءَ؛ مردان و زنان مشرک به خداوند متعال گمان بد می‌برند». (فتح: ۶) این باور شرک‌آلود آثار خود را در زندگی انسان مشرک نشان داده و همه ابعاد زندگی او را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی، توحید نفی هرگونه بت است و درمقابل حقیقت شرک، اعتقاد به بت‌ها و اربابانی به جز خداست. (پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۶۸/۴/۱۴) ایشان یکی از مهم‌ترین مظاهر شرک در دنیای کنونی را جدایی میان دنیا و آخرت می‌داند که آموزه‌هایی چون جدایی زندگی مادی از عبادی و دین از سیاست را همراه دارد. در این نظام شکل‌گرفته بر مبنای شرک، گویی خداوند زورگویان و ابرقدرت‌ها را فرمانروایان دنیا دانسته که همگان باید در آنها سر تعظیم فرود آورند.

گویی خدای دنیا - معاذالله - جباران و زورگویان و چپاول‌گران و ابرقدرت‌ها و جنایتکاران‌اند، و استضعاف و استعمار و استثمار مردم و علو و استکبار بندگان خدا حق مسلم آنهاست و همگان باید پیشانی اطاعت بر آستان تفرعن آنها ساییده و در برابر زورگویی و غارتگری و میل و اراده بی‌مهار آنان، تسلیم باشند و اعتراض نکنند. این همان شرکی است که امروز مسلمانان باید با اعلام برائت، دامن خود و اسلام را از آن تطهیر کنند. (همان)

این تعبیر مقام معظم رهبری آشکارا بر آن است که استکبار جهانی و طیف زورگو و چپاول‌گر دنیا که ملت‌ها را به استضعاف و استثمار درآورده‌اند، زائیده نظام شرک‌محورند. نظام‌هایی که زورگویی، غارتگری و میل و هوس‌های بی‌مهار، شاکله وجودی آن را تشکیل می‌دهد و مبتنی بر تسلیم مستضعفان و مظلومان عالم در برابر آنهاست. این همان نماد

آشکارا شرک در دوره کنونی است که امروزه در جهان، جولان می دهد و به ستیز با نظام توحیدی برخاسته است.

۳-۴. جبهه حق و باطل

بر مبنای جهان بینی اسلام، نظام آفرینش براساس دو جبهه حق و باطل شکل گرفته است و انسان ها هرکدام در یکی از این دو جبهه صف بندی می شوند. این مبنای تقسیم بندی که در قالب دو واژه حزب الله و حزب الشیطان و برگرفته از آیات انتهایی سوره مجادله است، (مجادله: ۱۹-۲۲) درواقع، نشان از این حقیقت دارد که پیامبران و اولیای الهی به عنوان حزب الله و پیرو آن، مؤمنان دنباله رو در جبهه حق قرار می گیرند و در برابر شیطان و سربازان انسی و جنی آن به عنوان حزب الشیطان در جبهه باطل قرار دارند. مبارزه این دو جبهه از آغاز آفرینش وجود داشته است و تا پایان نیز ادامه خواهد یافت؛ چراکه در بستر این مبارزه، انسان ها در معرض امتحان و آزمون قرار می گیرند و به مسیر سعادت و شقاوت رهنمون می شوند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پرتو این نگاه به نظام هستی با اشاره به دو جبهه حق و باطل، براین باور است که گروهی که اهل فکر و فرهنگ و معرفت اند برای جبهه حق کار می کنند و با تشخیص درست حق، در مسیر آن حرکت می کنند. درمقابل، گروهی دیگر قرار دارند که ضد حق اند و از طرفداران باطل به شمار می آیند. ایشان باتوجه به اینکه جبهه باطل درحال برنامه ریزی و دشمنی و ستیز با جبهه حق است، وظیفه نیروهای جبهه حق را جنگیدن و مقابله با این اقدامات می داند که امری حتمی و تخلف ناپذیر است و نباید از آن غافل شد. (بیانات، در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ حضرت رسول ﷺ، ۱۳۷۵/۳/۲۰)

بر مبنای تداوم وجود دو جبهه حق و باطل در نظام هستی، زمانی که انقلاب اسلامی ایران بر مبنای اسلام و قرآن کریم و به عنوان مظهر حق پا به عرصه وجود گذاشت، طبیعی بود که استکبار جهانی به عنوان جبهه باطل، حاکمیت اسلامی را برای خود خطری جدی بداند و با انواع ترفندها و توطئه های خود به مبارزه با حاکمیت اسلام برخیزد. (بیانات، در خطبه های نماز جمعه، ۱۳۶۳/۱۲/۲۴) همواره در طول تاریخ، این ستیزه جویی در ذات

جبهه باطل وجود داشته و دشمنی‌های استکبار جهانی به‌عنوان مصداق امروزی آن در این زمینه قابل ارزیابی است. ازسوی دیگر، مبارزه جبهه حق با استکبار درحقیقت مبارزه با مظهر رفتار و عملکرد باطل است که امروز در استکبار جهانی، تجلی پیدا کرده است. در اندیشه مقام معظم رهبری، آنچه موجب شده استکبار به‌عنوان جبهه باطل همه فشارهای خود را به ملت ایران وارد کند، دفاع از حق خود و مبارزه با دیکتاتوری و سلطه خارجی است. پابندی به این شاخص‌ها در جبهه حق موجب می‌شود که مستکبران جهانی منافع زیادخواهانه و تجاوزگرایانه خود را در معرض تهدید ببینند و براساس خوی ظالمانه‌شان، با این جبهه به مبارزه بپردازند.

ملت ایران در حرکت خود، مظلوم است، چرا؟ برای اینکه ملت ایران این مبارزه را برای تجاوز و تعدی به کسی یا تهدید به‌وجود نیاورد؛ بلکه این حرکت عظیم را برای دفاع از حق خود و مبارزه با دیکتاتوری و سلطه خارجی انجام داد. هر ملت و انسانی حق دارد از آزادی و کرامت خود دفاع کند و زندگی‌اش را بسازد. بنابراین، کسانی که به ملت ایران از طرق مختلف سیاسی و غیرسیاسی حمله می‌کنند، درواقع به ملت ایران ظلم می‌کنند. چون حرکت ملت ایران منافع زیاده‌خواهانه و تجاوزگرانه آنها را تهدید کرده و آنها می‌خواهند از ملت ایران انتقام بگیرند. پس حق با ملت ایران است. (بیانات، در اجتماع اساتید و دانشجویان بسیجی، ۱۳۸۲/۳/۱۸)

۵. مبانی معرفت‌شناسانه استکبارستیزی

براساس مشاهده‌های تاریخی، انسان‌ها از دیرباز معارف خود را از چهار منبع به‌دست می‌آورده‌اند. حس و تجربه به‌عنوان نخستین منبع معرفت که سرچشمه معارف دیگر نیز تلقی می‌شد و موردتوجه ویژه بشر بوده است؛ پس از آن، بشر از عقل خدادادی خویش به‌عنوان ابزار کسب معرفت بهره برد؛ سرانجام شهود و وحی به‌عنوان دو منبع معارف بشری مطرح بوده است. بر مبنای معرفت‌شناسی دینی، این چهار منبع در کنار هم و توأمان هر کدام در جایگاه خود، می‌توانند معارف حقیقی را برای بشر فراهم آورند. البته در این مجال،

مراد از «معرفت دینی» نوعی از معرفت است که با وصف دینی بودن از معرفت‌های دیگر متمایز می‌شود.

مراد از دین در اینجا، دین و حیانی است؛ یعنی آنچه از راه وحی بر پیامبران الهی فرستاده شده است. چون از دیدگاه ما، دین اسلام آخرین دین و شریعت آسمانی است، مقصود ما دین اسلام است. در این زمینه، کتاب و سنت منابع معرفتی دین و شریعت اسلام را تشکیل می‌دهد. اگر از آن، به معرفت دینی تعبیر می‌شود، مقصود معرفتی است که جز از طریق دین (وحی) به دست نمی‌آید، درحالی که معرفت حاصل از عقل و تجربه محصور به دین نیست و برای همگان، قابل درک است. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۷: ۲۰)

سخن از مبانی معرفت‌شناختی استکبارستیزی، که برآمده از معرفت دینی است، زمانی محقق خواهد شد که ما بتوانیم دفاع شایسته‌ای از اعتبار معرفتی باور دینی داشته باشیم. برای این امر، نخست معیارهای معرفتی مناسب را بیابیم که مقتضای وضعیت معرفتی انسان در همه عرصه‌هاست؛ سپس، نشان دهیم که وضعیت جهان موجود به گونه‌ای است که باتوجه به این معیارها، اقتضای باور دینی را دارد و نداشتن باور دینی یا ناشی از غلبه برخی خواسته‌ها و احساسات معارض و یا به دلیل پیروی از معیارهای معرفتی نامناسب است.

۱-۵. خدا باوری

بر مبنای آموزه‌های اسلام، اساس معرفت بشری شناخت خداست؛ به طوری که پیامبر اسلام ﷺ اساس علم و معرفت را شناخت خدا، آن گونه که شایسته اوست، می‌داند و برترین مؤمنان را کسانی می‌داند که بالاترین شناخت را داشته باشند. «قَالَ الرَّجُلُ: مَا رَأَى الْعِلْمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ اللَّهِ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ؛ مردی از رسول خدا ﷺ پرسید بالاترین مرتبه علم چیست؟ رسول خدا ﷺ فرمود: شناخت خدا آن چنان که شایسته اوست». (مجلسی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۲۸۵) این اصل اولیه در معرفت‌شناسی دینی از آن رو مهم است که بیش انسان را در عرصه باورهای فکری اش جهت می‌دهد.

۲-۵. مشیت الهی مبتنی بر مقابله با استکبار

بر مبنای معرفت دینی، اراده الهی بر مبارزه و مقابله با مستکبران و زورگویان جهان قرار گرفته است تا فساد در زمین فراگیر نشود و از نابودی مظاهر ذکر و یاد خداوند جلوگیری شود. (بقره: ۲۵۱) زورگویان و مستکبران براساس ذات سیری ناپذیرشان در پی منافع زیاده خواهانه خود و گسترش سلطه خویش بر روی زمین هستند. چنانچه با گسترش سلطه آنان مقابله نشود، فساد و تباهی فراگیر خواهد شد.

انگیزه‌های شیطانی، زیاده طلبی‌ها و قدرتمداری‌ها همیشه بوده است، مخصوص امروز نیست. اگر در برابر این انگیزه‌های شیطانی، جنود رحمان، بندگان واقعی خدا، انسان‌های عازم مؤمن نمی‌ایستادند و از قدرت الهی خود برای متوقف کردن تجاوز و زورگویی استفاده نمی‌کردند، امروز وضع بشریت به مراتب از آنچه هست، بدتر بود. اگر در دنیا، معنویت باقی مانده است، اگر ارزش‌های انسانی، هنوز وجود دارد، اگر ایمان به خدا هنوز می‌تواند به‌طور پیوسته جای خود را در دل‌ها باز کند، اگر صلاحی هست، اگر راه مستقیمی پیش بشریت است، به برکت همان ایستادگی‌هاست. (بیانات، در صبحگاه نیروی دریایی سپاه، ۱۳۸۱/۱۲/۲۰)

در شرایط کنونی جهان، نظام سلطه به رهبری آمریکا به دنبال گسترش نفوذ خود در نقاط گوناگون جهان است و می‌بینیم این کشور برای کسب منافع خویش، از هیچ اقدامی فروگذار نیست. در این زمینه، آمریکا به همراه دیگر کشورهای نظام سلطه بسیاری از ملت‌های جهان را به استضعاف کشیده و از منافع آنها بهره جسته است؛ واقعیتی که رهبر معظم انقلاب اسلامی سال‌های پیاپی متذکر می‌شود. ایشان در این زمینه، اقداماتی مانند غارت ملت‌ها، حمله به ملت‌ها، دروغ‌پراکنی، توسعه فساد در عالم و تحمیق بسیاری از قشرهای مردم را از جمله کارهایی می‌داند که سردمداران آمریکا و دیگر قدرتمندان ظالم و ستمگر عالم برای گسترش سلطه خود، در جهان انجام می‌دهند. (بیانات، در حرم مطهر رضوی، ۱۳۶۹/۱/۲)

شواهد کنونی در عرصه جهانی و سلطه روزافزون کشورهای نظام سلطه به رهبری آمریکا، نشان می‌دهد که مبانی معرفت دینی استکبارستیزی واقعیت انکارناپذیر جهان امروز است. در این شرایط، تنها راه چاره مبتنی بر معرفت دینی، مبارزه با استکبار است، ولی نکته در این است که چرا عزم و تمایل جدی به موضوع استکبارستیزی در جهان و میان ملت‌ها وجود ندارد و این موضوع مهم در شرایط کنونی جهان مغفول مانده است؟

در پاسخ به این پرسش، دلایل گوناگونی را می‌توان بیان کرد. یکی از مهم‌ترین این دلایل سیطره قدرت دولت‌ها در عرصه جهانی است که میدان را بر ملت‌ها و توده‌های مردم بسته و با فشار و اعمال زور، از بیان خواسته‌ها و نقش‌آفرینی‌شان جلوگیری می‌کند. (بیانات، در جمع کارگران و معلمان، ۱۳۸۱/۲/۱۱) بیشتر دولت‌های جهان به دلایل گوناگونی مانند اشتراک منافع با قدرت‌های مستکبر جهانی، مرعوب شدن در برابر مستکبران، تلاش برای بقای قدرت خویش و همسویی در رویکردهای معرفتی، با سیاست‌های سلطه‌طلبانه و زورگویانه استکبار همراه شده‌اند و عرصه را برای آزادی‌خواهان و استکبارستیزان جهان تنگ کرده‌اند.

ازسویی دلیل دیگری که به ایجاد شرایط کنونی دامن زده، نبود مبانی و آموزه‌های معرفتی درست در میان مردم جهان و یا ایجاد مانع در رسیدن این مبانی و آموزه‌ها به گوش آنهاست. امروزه، نظام لیبرال - دموکراسی غرب می‌کوشد آموزه‌های خود را به شکل گسترده در جهان بپراکند و با استفاده از ابزار رسانه و تبلیغات وسیع به این مهم دست یابد. این جریان معرفتی ازسویی تلاش می‌کند آموزه‌های رقیب، به‌ویژه اسلام، را با روش‌های گوناگون، به انزوا بکشاند و آن را از صحنه خارج کند. این درحالی است که در این شرایط، مردم ایران به همراه بخشی از مردم منطقه و جهان به برکت انقلاب اسلامی و طرح مبانی و آموزه‌های معرفتی دین اسلام، ازجمله مفهوم استکبارستیزی، به این بلوغ و شناخت دست یافته‌اند و ضروری است با تلاش و پیگیری مجدانه، این آموزه‌های معرفتی در سطح جهان فراگیر شود.

۶. مبانی روش‌شناسانه استکبارستیزی

در نظام فکری - سیاسی ای که مبتنی بر سه جزء کلی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی است، اجزای آن در ارتباط متقابل با یکدیگر به شکلی هدفمند سامان می‌یابند و در این الگوی ساختاری است که روش‌شناسی نقش ارتباط با عالم واقع را ایفا می‌کند. این بخش حلقه اتصال عالم فکر و نظر به عالم واقع است و به آن مفاهیم نظری فعلیت می‌بخشد. در این زمینه، مبتنی بر الگوی ارائه‌شده، مباحث مربوط به روش‌شناسی در عرصه استکبارستیزی واکاوی و رویکردهای روشی رهبر معظم انقلاب اسلامی ارزیابی می‌شود.

۱-۶. شناخت دشمن و نقشه‌های آن

در مسیر مبارزه با استکبار، شناخت درست دشمن و برنامه‌های آن یکی از ضرورت‌های اساسی است. اگر در عرصه مبارزه، شناخت دقیقی از دشمن وجود نداشته باشد، اقدامات لازم و متناسب با آن، چه از نظر تدافعی و چه از نظر تهاجمی، صورت نخواهد گرفت و در نتیجه، شکست را به همراه خواهد آورد. براساس همین ضرورت، رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به اینکه دشمن بیرونی ما نظام سلطه بین‌المللی یا همان استکبار جهانی است، مظهر امروزی آن را شبکه صهیونیسم جهانی و دولت کنونی آمریکا معرفی می‌کند. ایشان بر این باور است در رویارویی با این دشمن، نیاز است نخست آن را شناخت و از نقشه‌های او آگاه شد؛ چراکه امروز دشمنان برای ملت ایران نقشه دارند و برنامه‌ریزی می‌کنند و باید این نقشه‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌ها شناخته شود. (بیانات، در حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۱/۱)

۲-۶. آمادگی مقابله با استکبار

بعد از آنکه براساس مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی دینی، مبارزه با مستکبران جهان امری قطعی تلقی شده و در این مبارزه، دو جبهه حق و باطل تعریف می‌شود، گام نخست و ضروری داشتن آمادگی لازم برای مقابله با دشمن است؛ چراکه در میدان مبارزه زمانی پیروزی به دست خواهد آمد که نیروها آمادگی کافی برای مقابله با دشمن و برنامه‌های آن را داشته باشند و در خواب غفلت به سر نبرند. ازسویی طبق تجربه تاریخی، بزرگ‌ترین

شکست‌ها در جنگ زمانی رقم خورده که یکی از طرف‌های درگیر از حمله طرف مقابل بی‌خبر بوده است.

ازسوی دیگر، یکی از مسائل مهم در مبارزه با استکبار، که آن را از نبردهای دیگر متمایز می‌کند، گستردگی عرصه مبارزه است. به گفته رهبر معظم انقلاب اسلامی، این جبهه مبارزه تنها به عرصه نظامی محدود نیست و زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را نیز دربر می‌گیرد. این گستردگی جبهه نبرد به دلیل عدم تمرکز، فرایند مقابله را دشوارتر می‌کند و نیازمند همت و تلاشی دوچندان است.

ملت ایران بایستی همان‌طور که تاکنون آگاه بوده، آگاه‌تر باشد. آمریکا، انگلیس و استکبار را درست بشناسد و خود را برای مقابله‌های احتمالی نه فقط در زمینه نظامی، در زمینه‌های دیگر فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آماده کند. پیام من به جوانان کشورمان... این است که همت کنید و عزم و اراده خود را تقویت نمایید. در میدان‌های گوناگون، شجاعانه خود را مهیا کنید و آماده باشید. ممکن است ما هرگز جنگ نظامی نداشته باشیم؛ اما یقیناً جنگ سیاسی، اقتصادی و به‌ویژه فرهنگی خواهیم داشت. (پیام نوروزی،

۱۳۸۲/۱/۱)

۳-۶. حضور در صحنه

ایمان در مقوله معرفت دینی، دایره گسترده‌ای است که همه ابعاد زندگی انسان مؤمن را دربر می‌گیرد. روشن است که ایمان به برخی از عقاید و دستورها و باور نداشتن برخی دیگر مورد پذیرش پروردگار نیست. انسان مؤمن با ورود به دایره ایمان، موظف به پایبندی به همه اصول و فروع باورهای دینی است و پایبند نبودن به برخی از آنها برای او جایز نیست؛ چراکه هر فرع اعتقادی به اصلی اعتقادی باز می‌گردد و ازسویی، همه اصول اعتقادی نیز در عین تکرار، بازگشت به امر واحد یعنی ذات باری تعالی دارند. براین اساس، نپذیرفتن و یا بی‌توجهی به موضوع استکبارستیزی، که یکی از فروع مبانی باورهای معرفت دینی است، علاوه بر آنکه از انسان مؤمن پذیرفته نیست، یکی از تهدیدهای جدی در این عرصه نیز شمرده می‌شود.

راهکار مبارزه با این تهدید، حضور انسان مؤمن در صحنه جنگ است. اگر این مهم حاصل شود به اعتقاد رهبر معظم انقلاب اسلامی، دشمنان و مستکبران نخواهند توانست این ملت و انقلاب شکست دهند و در توطئه‌های خود ناکام خواهند ماند. همچنان‌که به تعبیر ایشان، امروز همه قشرهای ملت در صحنه‌اند و احساس مسئولیت می‌کنند. (بیانات، در حرم مطهر رضوی، ۱۳۶۹/۱/۲)

۴-۶. ایستادگی و مقاومت

دفاع و مقاومت یکی از ویژگی‌های ملت زنده است. در دنیایی که هوس‌ها و انگیزه‌های مادی به جای ارزش‌های معنوی بر صاحبان قدرت و مستکبران حکمفرانی می‌کند، هیچ ملتی نمی‌تواند از هیچ مرکز دیگر، جز قدرت درونی خود، که خداوند به او عنایت کرده، امید کمک و حمایتی داشته باشد. ملت‌ها در این شرایط، باید به خود متکی باشند تا بتوانند عزت خود را حفظ کنند. در موضوع دفاع و استقامت، این نکته اساسی است که تا دشمن و دشمنی وجود دارد، تهدید هم وجود دارد و تا تهدید هست، ایستادگی و دفاع نیز باید وجود داشته باشد. در این شرایط، آنچه ضامن بقا و عزت هر ملت است، همانا ایستادگی و مقاومت آن است.

بنای استکبار و زورگویی در عالم این است که همه دولت‌های و به تبع آنها، همه ملت‌ها را وادار کند تا منطق زور و ظلم و بی‌انصافی او را قبول کنند و از همان راه، حرکت کنند... مگر چنین چیزی می‌شود؟ ممکن است بعضی از دولت‌ها به خاطر منافع شخصی مسئولان خود تسلیم شوند؛ اما دولت و ملتی که به نام اسلام سخن می‌گوید، به نام استقلال و هویت ملی خود موضع می‌گیرد و حق می‌گوید و دنبال حق می‌رود، مگر ممکن است تسلیم شود؟ (بیانات، در جمع کارگران و معلمان، ۱۳۸۱/۲/۱۱)

رهبر انقلاب اسلامی با طرح این پرسش که در برابر سیلی که از سوی استکبار آغاز شده و در سه عرصه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در پی قبضه کردن منابع اقتصادی، از بین بردن هویت سیاسی و گسترش فرهنگ سلطه است، آیا نمی‌توان مقاومت کرد؟ ایشان باور دارد

که می‌توان مقاومت کرد و این سرنوشت محتوم کشورها نیست. چراکه امکانات، توانایی‌ها و ظرفیت‌های مستکبران و سلطه‌طلبان جهان محدود است و نمی‌توان این‌گونه تصور کرد که هرچه مقتدران بخواهند، ناگزیر محقق خواهد شد. (بیانات، در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱/۳/۷) این رویکرد ایستادگی و مقاومت تنها راه مقابله با استکبار جهانی و غلبه بر آن است و در جای‌جای اندیشه مقام معظم رهبری به چشم می‌خورد و به‌عنوان محوری‌ترین مفهوم روش‌شناختی درباره مفهوم استکبارستیزی در منظومه فکری ایشان مطرح است.

۵-۶. دفاع از مظلوم

استکبار به دلیل خوی ظالمانه و زورگویانه خود در تلاش است با به استضعاف کشیدن ملت‌های ضعیف و محروم، منافع خود را هرچه بیشتر تأمین کند و سلطه خویش را بر جهان بگستراند. این ویژگی استکبار سبب شده در طول تاریخ، همواره برخی از ملت‌ها زیر ستم قرار گیرند و به آنها ظلم و اجحاف شود. در این شرایط، یکی از وظایف پیامبران الهی خارج کردن این ملت‌ها از سیطره ظالم و کمک به آنها بوده است. نمونه آشکار این موضوع رسالت حضرت موسی علیه السلام در خارج کردن قوم بنی اسرائیل از سیطره و ظلم فرعونیان بود.

وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُم مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُم سُوءَ الْعَذَابِ يَقْتُلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ

و زمانی که شما را از فرعونیان نجات بخشیدم، آنها که مرتب شما را شکنجه می‌دادند، پسرانتان را می‌کشتند و زنانتان را [برای خدمتکاری] زنده می‌گذاشتند و در این آزمایش بزرگی از ناحیه خدا برای شما بود. (اعراف: ۱۴۱)

براساس این تکلیف الهی است که سیاست کلان جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته و امام خمینی علیه السلام به‌عنوان بنیان‌گذار آن، دفاع از مظلوم را از معارف بلند اسلامی می‌داند و آن را یکی از اهداف نظام دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده است. (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۱۵۹) راهبردی که رهبر معظم انقلاب نیز بر مبنای آن یکی از راه‌های مبارزه با استکبار را حمایت از مظلومان می‌داند که زیر سلطه و ظلم استکبار

جهانی قرار دارند؛ راهبردی که به باور ایشان، بایستی به هر شکلی دنبال شود. (بیانات، به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی، ۱۳۷۵/۸/۹) براساس همین راهبرد دینی است که ما شاهدیم جمهوری اسلامی در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره حمایت از مردم مظلوم فلسطین و دیگر مردم مظلوم جهان از جمله بوسنی، میانمار، یمن، افغانستان و بحرین را دنبال کرده است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، استکبارستیزی در اندیشه رهبر معظم انقلاب مبتنی بر سه رویکرد هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه بررسی گردید، به این بیان که اندیشه تمدن‌ساز رهبر معظم انقلاب، نظامی منسجم و متشکل از اجزای به هم مرتبط برای رسیدن به هدف معین است. با روشن شدن اجزای گوناگون این نظام فکری در عرصه هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی، ارتباط آنها با یکدیگر مفصل‌بندی شده است و در حوزه روش‌شناختی، هدفمندی آنها در ارتباط با واقعیت خارجی روشن می‌شود.

رهبر معظم انقلاب مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی به برابری انسان‌ها و نفی سلطه‌گری باور دارد؛ چراکه همه انسان‌ها در مقام عبودیت در پیشگاه خداوند قرار دارند و از رتبه‌ای یکسان و برابر برخوردارند. بنابراین، هنگام وجود سلطه‌طلبی و ظلم، اصل بر دفع ظالم و مستکبر و مقابله با آن قرار داده شده است. اگر از سلطه مستکبران جلوگیری نشود و انسان‌های الهی با آنان مقابله نکنند، آنها همه ارزش‌های اخلاقی و انسانی را زیر پا می‌گذارند و فساد و تباهی، زمین را فرا می‌گیرد.

در اندیشه رهبر انقلاب، دو نظام توحید و شرک در حقیقت دو جبهه حق و باطل را تشکیل می‌دهند؛ دو جبهه‌ای که نظام آفرینش بر پایه آن استوار شده و انسان‌ها هرکدام در یکی از این دو جبهه صف‌بندی می‌شوند. بر این مبنا، انسان‌های مؤمن، که در رأس آنها پیامبران و اولیای الهی قرار دارند، در جبهه حق و انسان‌های مشرک و مستکبر، که در رأس آنها ابلیس و شیاطین هستند، در جبهه باطل قرار می‌گیرند. براین اساس، مبارزه ضرورت تحلف‌ناپذیر این دو جبهه است؛ ضرورتی که مفهوم استکبارستیزی یکی از بازتاب‌های آن شمرده می‌شود.

در نگاه معرفتی رهبر انقلاب، اراده الهی بر مبارزه و مقابله با مستکبران و زورگویان عالم به‌منظور جلوگیری از گسترش فساد بر روی زمین قرار گرفته است؛ حقیقتی که در شرایط کنونی عرصه جهانی، به‌طور کامل آشکار است. امروزه مستکبران جهانی به‌واسطه ذات سیری‌ناپذیر خویش در پی منافع خود و گسترش سلطه‌شان بر جای جای کره زمین هستند و از هیچ اقدام غیرانسانی فروگذار نمی‌کنند. رهبر معظم انقلاب نخستین برای مقابله با این مستکبران زورگویی زیاده‌خواه را شناخت درست دشمن و برنامه‌های آن در این مسیر می‌داند. این مهم در بستر آمادگی کافی برای مقابله با دشمن و برنامه‌های آن ظهور پیدا می‌کند و با حضور انسان مؤمن در صحنه مبارزه نمایان می‌شود.

کتابنامه

قرآن کریم.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: www.khamenei.ir

پارسانیا، حمید (۱۳۸۳). روش‌شناسی و اندیشه سیاسی. علوم سیاسی، ۷(۲۸)، ۷-۱۶.

چرچمن، چارلوزست (۱۳۸۵). نظریه سیستم‌ها. (رشید اصلانی، مترجم). تهران، مرکز آموزش دولتی.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۶). حدیث ولایت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۴). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۵۶). دیدگاه توحیدی؛ روح توحید عبودیت غیر خدا، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۶). حدیث ولایت. تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۴). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۵۶). دیدگاه توحیدی؛ روح توحید عبودیت غیر خدا. تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

دوران، دانیل. (۱۳۷۶). نظریه سیستم‌ها. (محمد یمنی‌دوزی سرخابی، مترجم). علمی و فرهنگی.

ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۷). معرفت‌شناسی معرفت دینی. کلام اسلامی، ۷(۲۵)، ۲۱-۳۵.
ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سیدی، حسین (۱۳۸۸). تمدن اسلامی، تهران. مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۰ق). اصول الکافی. قم، دارالکتاب الاسلامیه.
دیوید، مارش، و پاول، فورلنگ. (۱۳۸۷). پوست نه پوستین: هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی در علوم سیاسی. (سید علی میرموسوی، مترجم). علوم سیاسی، ۱۱(۴۲)، ۳۱-۶۴.
مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۹). بحار الانوار. تهران، المکتبه الاسلامیه.
محمدی، منوچهر (۱۳۸۵). آمریکا در نگاه رهبر معظم انقلاب. تهران، مؤسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶). آموزش فلسفه. تهران، نشر بین‌الملل.
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). آموزش فلسفه، قم. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه نور. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

Barbour, Rosaline. (2014). *Introducing Qualitative Research: A Student's Guide*. SAGE Publications.

Flick, Uwe. (2009). *An Introduction to Qualitative Research*, London, Sage Publications.

Harding, S. (1987). Introduction: Is There a Feminist Methodology? In *Feminism and Methodology* (pp. 1-14). Indiana University Press.

Schwandt, Thomas A. (2007). *The SAGE Dictionary of Qualitative Inquiry*. SAGE.

Walliman, Nicholas (2006). *Social Research Methods*, London, Sage Publications Ltd.